

## Proving the Consistency of the Theory of Objectivity of Action and Punishment with

**Mohamad Danesh Nahad** \*

Professor of Theology, Institute of Strategic Studies of Islamic Sciences and Education, Mashhad District, Mashhad, Iran

**Mohamad Hasan Vakili** 

Assistant Professor of Theology, Institute of Strategic Studies of Islamic Sciences and Education, Mashhad District, Mashhad, Iran

### Abstract

A theory that has been identified as a work and a greater part of it is based on clear meanings from the verses and narrations, but it is apparently based on evidence that has many contradictions. This research is based on the collection of information and analysis, and in order to prove the non-contradiction of the theory of specific work and part of the verses, they include the presence of an external punisher in punishment, thwarting, atonement, and replacing bad deeds with good deeds. In sum, the results of the investigation that ۱- The signs of the observer regarding the presence of an external Punisher are indicative of the existence of an external Punisher in the body of a human being under the influence of making a decision, and a Punisher outside the body of a human being is based on the soul of a person, so an external Punisher is similar to the affairs of a human soul. In the most severe verses in the verses, the point of emphasis is that the hell is destroyed, the same actions of human beings are based on the command and opinion of that. Contradicting the theory of specific actions and parts with these verses in the form of an affirmative action and part that is


\* Corresponding Author: borosdar@yahoo.com


**How to Cite:** Danesh Nahad, M., Vakili, M. H. (۲۰۲۳). Proving the Consistency of the Theory of Objectivity of Action and Punishment with, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, ۱۳(۵۱), ۱-۲۵.

external, moreover, because it is outside of the body of a human being or outside of the soul of a person more closely.

**Keywords:** The Afterlife Eagle, External Consequences, Objectivity of Action And Punishment, Memorization and Takfir of Deeds, Turning Evil Into Good.

## اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر کیفیت عقاب اخروی

محمد دانش‌نهاد  \* استاد هیات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، حوزه مشهد، مشهد، ایران

محمدحسن وکیلی  استادیار هیات مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، حوزه مشهد، مشهد، ایران

### چکیده

نظریه عینیت عمل و جزا اگرچه بر اساس مفاد برخی از آیات و روایات است اما در ظاهر با ادله دیگر منافات دارد. این پژوهش با روش جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن در پی اثبات عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیاتی همچون وجود معاقب خارجی در عقاب، حبط و تکفیر و تبدیل سیئات به حسنات است. از جمله نتایج تحقیق آن که الف: آیات ناظر بر وجود معاقب خارجی تنها دال بر آن است که معاقب خارجی بدن انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و معاقب خارج از بدن انسان است نه نفس انسان، لذا معاقب خارجی می‌تواند شأنی از شئون نفس انسان باشد چنانکه در آیات بر این نکته تأکید شده که هیزم جهنم، نفس اعمال انسان‌ها است نه امری و رای آن. تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با این آیات در صورتی محقق می‌گردد که معاقب خارجی علاوه بر این که خارج از بدن انسان است خارج از نفس انسان نیز باشد. ب: نبود نشدن اعمال بر اساس نظریه عینیت عمل و جزا منافاتی با آیات حبط و تکفیر و تبدیل سیئات به حسنات ندارد چرا که دسته دوم از آیات دال بر مرتفع شدن آثار اعمال حسنه و سیئه هستند و دلالتی بر نابودی خود اعمال ندارند. به بیان دیگر آیاتی که مدعی عینیت عمل و جزا هستند تنها بر بقای نفس اعمال دلالت دارند نه بقای آثار آن و آیات دیگر متعرض از میان رفتن نفس اعمال نگردیده‌اند بلکه تنها مدعی از میان رفتن آثار و توابع چنین اعمالی به جهت توبه، استغفار، شفاعت و ... در عرصه قیامت هستند بدون آن که نیاز باشد که علاوه بر آثار اعمال، خود اعمال نیز از میان برود و در قیامت حاضر نگردد.

**کلیدواژه‌ها:** عقاب اخروی، معاقب خارجی، عینیت عمل و جزا، حبط و تکفیر اعمال، تبدیل سیئات به حسنات.

## ۱. مقدمه

رابطه میان جزا و عمل به طور کلی به دو نحو حقیقی و اعتباری قابل تصور است که برخی متکلمان قائل به نوعی قرارداد و اعتبار میان عمل و جزا هستند، بدون آن که رابطه‌ای تکوینی و واقعی میان آن دو برقرار باشد (ر.ک؛ حلی، ۱۴۱۳ق: ۴۰۸) اما در مقابل برخی از فلاسفه بر اساس منابع نقلی قائل به رابطه عینی میان جزا و عمل گردیده‌اند (ر.ک؛ صدر المتألهین، ۱۳۸۱، ۷۸-۷۹). اگرچه مبانی فلسفی نمی‌تواند کیفیت رابطه جزا و عمل را اثبات نماید اما مدعی است که نسبت عینیت عمل و جزایی که در منابع نقلی بیان گردیده امکان‌پذیر است؛ چنانکه مشاهدات اهل سلوک (ر.ک؛ سبزواری، ۱۳۷۴، ۵۲۴/۳) نشان‌دهنده وقوع چنین امکانی بوده است و بر این اساس نبایستی ظواهر ادله را تأویل نمود. نکته‌ای که بایستی بدان توجه نمود آن که گرچه برخی نظریه عینیت را همان نظریه تجسم اعمال دانسته‌اند (ر.ک؛ طاهری؛ صفایی اصل، ۱۳۹۹: ۱۳۱) اما رابطه عینیت عمل و جزا فراتر از بحث تجسم اعمال است چرا که نظریه تجسم اعمال تنها مربوط به جزاهای تجسمی است و شامل جزاهای تجردی نمی‌گردد به عنوان نمونه یکی از اسماء قیامت، یوم‌الحسره است که گنهکاران به جهت گناهان خود و نیکوکاران به جهت قلت اعمال خود افسوس می‌خورند درحالی که چنین حسرت و ناراحتی از سنخ ادراکات تجردی و عقلی است و در قالب شکل و اندازه و جسمیت خاصی نیست تا در قالب نظریه تجسم اعمال مورد بررسی قرار گیرد. لذا نظریه عینیت جزا و عمل شامل هر دو قسم از جزا می‌گردد چرا که جزاهای تجردی نیز به نحوی ظهور و بروز اعمال در عالم قیامت هستند. سؤال اصلی تحقیق آن است که چگونه می‌توان میان آیات دال بر عینیت جزا و عمل با آیاتی که به ظاهر دال بر چنین عینیتی نیستند بلکه نوعی عدم عینیت در آنها یافت می‌شود جمع نمود؟

سؤالاتی که به دنبال سؤال اصلی تحقیق قابل طرح است این که آیا آیات ناظر بر عینیت با آیات ناظر بر معاقب خارجی تنافی دارد؟ مفاد آیات حبط و تکفیر چگونه با مفاد آیات مربوط به عینیت عمل و جزا قابل جمع است؟ سؤال دیگر آن است که چگونه

اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر ...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۵

می‌توان قائل به عینیت عمل و جزا گردید در حالی که برخی آیات دال بر آن است که بر اساس برخی از اعمال، سیئات تبدیل به حسنات می‌گردد؟

بر این اساس ابتدا تعابیر متفاوت آیات و روایت در باب کیفیت عقاب و رابطه آن با عمل بیان می‌گردد و پس از آن عدم تنافی نظریه عینیت عمل با جزا که خود مبتنی بر آیات و روایات است با آیات و روایت ناظر بر وجود معاقب خارجی، حبط و تکفیر و تبدیل سیئات به حسنات بررسی و اثبات می‌گردد.

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقالاتی در باب نحوه ارتباط جزا و عمل به رشته تحریر درآمده است: الف) برخی به دنبال تبیین ادله اثبات تجسم اعمال و تبیین کارکردهای کلامی آن از دیدگاه علامه طباطبایی برآمده‌اند (نیل‌ساز؛ کولیوند، ۱۳۹۶: ۴۱) اثبات عدالت خداوند در جزای اعمال و توجیه علت خلود در جهنم، از اهم این کارکردها به‌شمار می‌آید. ب) برخی دیگر بازتاب فلسفی نظریه تجسم اعمال در اصول فقه را پی گرفته‌اند (وکیلی، ۱۳۹۸: ۱۱۲) و به بررسی آثار این مبنای فلسفی کلامی در بحث معذرت قطع، انقیاد و تجری پرداخته‌اند و این نکته به دست آمده که با تفکیک دو عنوان وجه فعلی و وجه فاعلی در مورد عمل مکلف، با توجه به وجودات طولی موجودات در عوالم ماده، برزخ و قیامت باید گفت که هر عنوان دارای وجودی مخصوص به خود در عوالم بعدی است و این وجود در عین اینکه با وجود این عنوان در عالم ماده عینیت دارد متناسب با همان عالم پس از دنیا است.

ج) دسته دیگر به چرایی و چگونگی عذاب اخروی از نگاه علامه مجلسی و علامه طباطبایی پرداخته (مشکاتی؛ فاطمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۳) و در پاسخ به پرسش از چرایی و چگونگی عذاب اخروی دو رویکرد کلان را بیان نموده است؛ رویکرد نخست، ارتباط میان کیفر و عذاب اخروی را همانند ارتباط جرم و جریمه دنیوی، اعتباری دانسته، خداوند را به عنوان عذاب‌کننده خارجی جاعل و خالق عذاب می‌شمارد؛ رویکرد دوم ارتباط کیفر و

عذاب را حقیقی و تکوینی دانسته، ناظر به مفاد نظریه تجسم اعمال می‌داند و عذاب اخروی را صورت و تجسم گناه فرد گنهکار می‌شمارد.

د) در نهایت دسته دیگر تناقضات در تکوینی دانستن جزای اخروی را بررسی نموده‌اند (عموسلطانی؛ شاهنظری، ۱۳۹۵: ۸۷). در این مقاله ضمن تبیین مسأله تکوینی و یا قراردادی بودن جزای اخروی و طرح پرسش‌های مربوطه، به بیان آراء حکیمان و متکلمان پرداخته شده و سرانجام دیدگاه تکوینی بودن جزای اخروی انتخاب و هر گونه جنبه اعتباری و قراردادی ناصواب دانسته شده است و با تبیین اشکال جمع هر دو قسم از جزاء تکوینی و قراردادی، راه حل تناقض ظاهری آیات را در تقریر صحیح و توجه به نظام توحیدی می‌داند و نهایتاً پاسخی قرآنی، استدلالی و عرفانی برای حل این تناقض ارائه می‌گردد.

تحقیق پیشرو بیشتر با دسته چهارم همسو است و هدف مشترکی دارد اما تمایزاتی که این پژوهش با دسته مذکور دارد آن است که در این مقال ابتدا تعابیر متفاوت آیات و روایات در باب کیفیت عقاب اخروی بیان گردیده و پس از آن به تفصیل عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیات دال بر وجود معاقب خارجی، حبط و تکفیر و تبدیل سیئات به حسنات بررسی و اثبات می‌گردد در حالی که در مقاله مذکور از چنین مباحثی ذکری به میان نیامده است.

## ۱-۲. روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر روش گردآوری اطلاعات، تحلیل آن و مقارنه آرا است.

## ۲. تعابیر متفاوت آیات و روایات در مورد کیفیت ارتباط جزا با عمل

آیات و روایات کیفیت ارتباط عمل با جزا را به گونه‌ای نقل نموده که در ظاهر متفاوت از یکدیگرند. چنانکه برخی آیات و روایات بیانگر آن است که پاداشی که در آخرت اعطا می‌گردد به نوعی عین همان عملی است که اشخاص در دنیا انجام داده‌اند.

## ۱-۲. تعابیر متفاوت آیات در مورد کیفیت ارتباط جزا با عمل

در آیات قرآن کریم برای تصویر کیفیت رابطه جزا و عمل از تعابیر متفاوتی استفاده شده است که این مسأله بحث عینیت جزا و عمل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (ر.ک؛ غفارزاده؛ بهرامی، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

به عنوان نمونه برخی آیات نشانگر آن هستند که میان عمل و جزا عینیت کامل برقرار است بدون آن که غیریتی در این زمینه وجود داشته باشد. از جمله این آیات، مواردی است که جزا در قالب نفی و الا مطرح گردیده و به صورت انحصاری رابطه عمل با جزا را نشان می‌دهد به گونه‌ای که عین همان عمل در آخرت به عنوان جزا در نظر گرفته می‌شود. تعابیری همچون ﴿هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نمل/۹۰)، «لَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (یس/۵۴) و «مَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (صافات/۳۹) این چنین هستند.

از سوی دیگر آیاتی هستند که رابطه جزا و عمل را به نحو عینی ترسیم نمی‌نماید بلکه به عنوان نمونه از بابت سببیت استفاده نموده که حاکی از این مسأله است که عمل، سبب جزا است نه خود جزا و به نحوی نوعی مغایرت میان عمل و جزا برقرار می‌گردد. از جمله آیاتی که چنین تعبیری در آنها به کار رفته است می‌توان به این موارد اشاره نمود: ﴿هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ (یونس/۵۲) و «وَلْتَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (جاثیه/۲۲). علاوه بر این می‌توان به آیاتی توجه نمود که در باب کیفیت عقاب مطرح شده و حاکی از وجود معاقب خارجی است (انفال/۵۰) به گونه‌ای که ملائکه ثواب و عذاب وجود دارند (انعام/۹۳)، در حالی که اگر جزا عین عمل باشد دیگر به ظاهر نیاز نیست معاقبی خارجی همچون ملائکه حضور داشته باشند. علاوه بر این در برخی آیات دیگر جزا به عنوان ثواب عمل لحاظ شده است که به ظاهر ثواب عین عمل نیست بلکه امری مترتب بر عمل است. از جمله آیاتی که چنین تعبیری را استفاده نموده می‌توان به این آیات توجه نمود ﴿فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۸)؛ ﴿وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا﴾ (آل عمران/۱۴۵).

## ۲-۲. تعابیر متفاوت روایات در مورد کیفیت ارتباط جزا با عمل

از جمله روایاتی که تعابیر متفاوتی نسبت به رابطه جزا و عمل دارد روایات سرور مؤمن است که از سویی به عینیت جزا و عمل گواهی می‌دهد و از سوی دیگر نوعی غیریت میان عمل و جزا را نمایانگر است و در عین حال چنین روایاتی سندهای قابل اعتمادی دارد. چنانکه در بخشی از روایت چنین تعبیر می‌نماید که من همان سروری هستم که در قلب مؤمنی وارد نمودی اما در بخش دیگر در بیان کیفیت جزا، از کلمه «منه» استفاده شده است که نشانگر عینیت تام و تمام جزا و عمل نیست.

از میان روایات معتبر می‌توان به چنین روایتی توجه نمود: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَدِيرِ الصَّرْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ يَقْدَمُ أَمَامَهُ كُلَّمَا رَأَى الْمُؤْمِنَ هَوَّلًا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ لَا تَفْرَعْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَحَاسِبُهُ حَسَابًا يَسِيرًا وَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ نَعَمْ الْخَارِجُ خَرَجْتَ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي وَمَا زَلْتَ تَبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَيَقُولُ أَنَا السُّرُورُ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَيَّ أَخِيكَ الْمُؤْمِنَ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ لِأَبْشِرَكَ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۹۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۵/۹) در ابتدا چنین بیان شده که آن صورت زیبا در بهشت همان سروری است که در قلب مؤمن ایجاد شده اما در ادامه از تعبیر «منه» استفاده شده که بیانگر این است که چنین صورت زیبایی از آن سرور اخذ شده است نه آن که عینیت کامل میان صورت زیبا و سرور وجود داشته باشد. تکوینی بودن ثواب بر اساس این روایت امر روشنی است اما در رابطه با عینیت یا غیریت ثواب با عمل به طور قاطع از روایت به دست نمی‌آید به گونه‌ای که در ابتدا عینیت و در انتهای عبارت غیریت عمل و ثواب استفاده می‌گردد. بر اساس چنین روایاتی حداقل به نحو موجه جزئی می‌توان به این نتیجه دست یافت که برخی پاداش‌ها عین عمل نیستند.



اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر ...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۹

علاوه بر این برخی تعبیر فرموده «انا السرور الذی ادخلته علی مؤمن» که نشانگر سرور خاصی است لذا آن عمل خاص به صورت جزای خاص در قیامت متجلی می‌گردد. اما در برخی عبارات این چنین آمده «انا السرور الذی کنت تدخله علی اخوانک» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴ق، ۵۶؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ۳۵۷/۱) که بیانگر ملکوت کلی سرور است نه آن سرور خاص. چنانکه در بحثهای معاد چنین بیانی ممکن است مطرح گردد که جزئیات اعمال دارای تجلی و در عین حال جامع چنین جزئیاتی نیز دارای تجلی هستند. به عنوان نمونه هر آیه از آیات قرآن دارای ظهور خاصی در قیامت است و هر سوره نیز دارای ظهور خاص خود و ترکیب دو سوره با یکدیگر نیز دارای ظهور خاصی است. لذا بر اساس انواع ترکیباتی که در نحوه قرائت آیات و سور صورت می‌پذیرد انواع ظهورات در قیامت پدید می‌آید.

### ۳. رویکردها در برابر تعبیر متفاوت آیات و روایات

در رابطه با این آیات و روایات دو رویکرد قابل طرح است. یک رویکرد آن است که مدعی گردید میان این تعبیر متفاوت آیات و روایات تعارضی نیست لذا نیازی به تعدیل هیچکدام از این دو دسته نیست. رویکرد دیگر آن است که میان تعبیر متفاوت آیات و روایات قائل به تعارض گردید و یک دسته از آیات و روایات را در راستای دسته دیگر به تأویل برد.

بر اساس مبانی کلامی و حکمی صحیح نیاز نیست که آیات و روایات در این رابطه را تأویل نمود. البته این بدان معنا نیست که تأویل نمودن در مفاد هیچیک از آیات همانند آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/۱۰) روا نیست بلکه در چنین آیاتی تأویل بردن ضروری است تا با مفاد آیاتی همچون ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ (شوری/۱۱) سازگار گردد و به خداوند متعال اسناد محدودیت و جسمیت داده نشود. آنچه در مورد تأویل بردن آیات و روایات روا نیست آن است که بی‌جهت و بدون ناسازگاری با آیات دیگر یا ادله عقلی مفاد ظاهری آیات کنار گذاشته شود و معنای آن به تأویل برده شود.

به همین خاطر درصدد این نکته بایستی بر آمد که در قیامت چگونه عذاب امکان دارد صورت پذیرد نه آنکه عذاب چگونه است؟ چون برای تأویل نشدن آیات و روایات بایستی امکان عقاب بر اساس ادله را تصویر نمود که اگر چنین امری امکان تحقق داشت تأویلی صورت نمی‌پذیرد.

توضیح مطلب این است که آنچه در قیامت بر انسان عرضه می‌شود از جهتی می‌تواند عین عمل باشد و از جهتی غیر آن. چنانکه بر اساس اعتقاد به نظام حرکت جوهری (ر.ک؛ صدرالمتهلین، ۱۳۶۱، ۲۴۲؛ همو، ۱۳۶۰، ۱۴۶؛ همو، ۱۹۸۱م، ۴۴/۶) یا تجلیات یک حقیقت در عوالم مختلف (ر.ک؛ ابن ترکه، ۱۳۶۰، ۶۷) همیشه عینیتی و غیریتی میان عمل در دنیا با تجلیات آن در عوالم دیگر برقرار است (ر.ک؛ شکر، ۱۳۸۶: ۷۶).

بر اساس حرکت جوهری به عنوان مثال گفته می‌شود که سنبله از جهتی خود حبه و از جهتی غیر آن است چرا که تحول پذیرفته است. مقصود از عینیت عمل با جزا این نیست که آن جزا همان عمل همراه با جزئیات و تعیناتش است بلکه به عنوان مثال گفته می‌شود که جزا باطن آن عمل است. لذا اگر جزا از جهتی عین عمل و از جهتی غیر عمل باشد می‌توان قائل به هر دو دسته از آیات و روایات گردید بدون آن که در این زمینه نیاز باشد قائل به تأویل، مجاز یا ادعای غیرمعارف شد بلکه تعبیری کاملاً متعارف است. پس تعارضی میان تعابیر متفاوت آیات و روایات نیست چرا که رابطه عمل و جزا به گونه‌ای است که می‌توان دو تعبیر برای آن بدون تأویل ارائه نمود.

### ۳-۱. عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با سایر آیات قرآنی

پس از تبیین رویکردها و اتخاذ مبنای امکان جمع میان تعابیر متفاوت آیات و روایات حال بایستی به تفصیل به تبیین عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیات ناظر بر مُعاقِب خارجی، حبط و تبدیل حسنات به سیئات پرداخت.

۳-۱-۱. عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیات ناظر بر معاقب خارجی یکی از اشکالاتی که بر نظریه عینیت عمل و جزا وارد می‌گردد این است که اگر میان عمل و جزا عینیت برقرار است نایستی در آیات قرآن در باب کیفیت جزا و عقاب اشاره‌ای به وجود معاقب خارجی می‌شد چرا که جزا تجسم اعمال است، برزخ و قیامت هر شخص ظهورات نفس او است و در این رابطه نیازی به وجود معاقب خارجی نخواهد بود. در حالی که برخی آیات قرآن بیانگر وجود معاقب خارجی در قیامت است. از جمله این آیات می‌توان به این موارد توجه نمود: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ (انفال/۵۰)؛ ﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾ (محمد/۲۷)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم/۶). این آیات به صراحت دال بر آن است که معاقب خارجی همچون ملائکه الهی در مقابل انسان‌ها در روز قیامت حضور می‌یابند و افراد جهنمی را عذاب می‌نمایند ولی آیات عینیت جزا و عمل مدعی این نکته است که معاقبی خارج از انسان وجود ندارد بلکه نفس اعمال وی موجب عذاب وی می‌گردد.

در پاسخ به این اشکال بایستی به این نکته توجه داشت که معاقب خارجی بدن انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد اما این که آن معاقب خارجی، خارج از نفس انسان باشد یا نه اول دعوی است. به عبارت دیگر این که معاقب خارجی خارج از بدن انسان است ارتباطی با این ندارد که چنین جزایی در داخل نفس تحقق می‌پذیرد یا در خارج آن؟ چنانکه ملاصدرا معتقد است در قیامت بدن انسان به همراه بهشتی که مشاهده می‌شود همراه با جزئیات آن از باب اتحاد حس و حاس و محسوس با نفس انسان متحد است چنانکه تمام ادراکات حسی انسان در دنیا نیز با نفس وی متحدند. عبارت وی در این رابطه بدین گونه است: «برای هر نفس سعادت‌مندی در عالم آخرت مملکت عظیم و گسترده‌ای وجود دارد ... در حالی که جمیع مملکت، بردگان، باغ‌ها و ... قائم به نفس انسان هستند و این نفس

انسان است که با حول و قوه الهی آنها را انشاء و حفظ می‌کند» (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م: ۱۷۶/۹).

ملاصدرا در بحث صراط نیز تمام اموری را که برای انسان رخ می‌دهد ساخته و پرداخته خود انسان می‌داند و این چنین به نقش نفس در تحقق جزا در روز قیامت اشاره می‌نماید: «صراط مستقیمی که انسان را به بهشت می‌رساند در واقع همان صورت هدایتی است که انسان برای خود تا زمانی که در عالم طبیعت حضور دارد انشاء می‌کند (ر.ک؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ۲۸۹/۹).

پس دلیلی در آیات و روایات مبنی بر این که معاقب خارجی خارج از نفس انسان باشد وجود ندارد بلکه می‌توان از آیاتی که بیانگر عینیت عمل با جزا هستند مؤیدی بر عدم وجود معاقب خارج از نفس ارائه نمود چرا که حصر مکرر جزا در عمل و عینیت آن دو با یکدیگر نشانگر این مسأله است که هر فرد گنہکاری با توجه به عمل خود از جهنم حصه‌ای دارد (ر.ک؛ محبتی، کهنسال، جوارشکیان؛ ۱۳۹۴، ۱۰۶) و در آن عذاب می‌گردد نه آن که معاقب خارجی که بیرون از نفس انسان است در صدد مجازات وی برآید (ر.ک؛ وکیلی، ۱۴۲۹ق، ۱۵۸-۱۵۹). از جمله ادله قرآنی بر این نکته آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم/۶). در این آیه از سوی هیزم آتش جهنم، خود انسان‌ها، اعمال و اعتقادات آن‌ها دانسته شده است که همسو با نظریه عینیت عمل و جزا است و از سوی دیگر معاقب خارجی همچون ملائکه عذاب لحاظ شده است که در ظاهر ملائکه غیر از انسان‌ها هستند. لذا صدر و ذیل آیه در ظاهر با یکدیگر متنافی است و از آنجا که تناقض در مفاد آیات با یکدیگر وجود ندارد رفع آن تنافی بدین صورت است که ملائکه عذاب شأنی از شئون نفوس انسانی باشند و بر اساس اعمال و نیت‌های سیئه و نادرست انسان‌ها پدید آمده باشند.

نکته دیگری که در این رابطه بایستی بدان توجه نمود این است که برخی از ملائکه قطعاً از شئون نفس انسان هستند و برخی دیگر ممکن است خارج از شئون نفس انسان

اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۱۳

باشند اما تجلی ملائکه اخیر نیز با نفس انسان متحد است. چنانکه در روایات شواهدی وجود دارد که برخی از ملائکه از شئون نفس هستند چنانکه روایت شده است که زمانی که انسان عطسه می‌کند ملکی متولد می‌گردد که از شئون نفس محسوب می‌گردد (منسوب به امام هشتم (ع)، ۱۴۰۶ق: ۳۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۵۵/۷۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۸۶/۸). علاوه بر این که زمانی که ملائکه حضور دارند و به یاری انسان می‌پردازند و در سیر دادن نفوس انسان‌ها تأثیرگذار هستند، منافاتی با عینیت عمل و جزا ندارد چون سوق دادن هر حقیقتی از عالم پایین به عالم بالا توسط ملائکه صورت می‌پذیرد و چنین عملی در درون نفس انسان توسط ملائکه صورت می‌پذیرد.

توضیح مطلب آن که بر اساس آیات قرآن کریم از یک نگاه اعمال توسط ملائکه به تدریج و زودتر (مزممل/۲۰) از خود انسان به عالم ملکوت منتقل می‌شود و از نگاه دیگر ملائکه انسان‌ها را سیر می‌دهند بدین صورت که آنها را از لایه‌های ظاهر عبور می‌دهند و به لایه‌های باطن می‌رسانند چنانکه در آیات قرآن کریم بدین مطلب تصریح شده است که ملائکه در روز قیامت انسان‌ها را به سمت بهشت و جهنم سوق می‌دهند (الزمر/۷۲-۷۳). این دو نگاه منافاتی با یکدیگر ندارند و برای رفع تنافی بایستی بدین نکته توجه نمود که چنین آیاتی بیانگر این مطلب نیست که معاقب خارجی خارج از انسان‌ها واسطه بین عمل و جزا قرار می‌گیرد بلکه جزا که عین بهشت یا جهنم است در جای خود محفوظ است و در عین حال می‌تواند باطن عمل انسان باشد که پیش از رفتن خود آن را فرستاده است ولی انسان برای آن که به لایه باطن برسد و به چنین ادراکی دست یابد بایستی ملائکه انسان را سوق دهند. چون انسان‌ها نسبت به عالم دنیا وابستگی دارند برای جدایی از آن و حرکت به سمت عالم ملکوت نیازمند ملائکه هستند.

سیر انسان به سمت ملکوت یا با اختیار است و یا این که ملائکه پس از موت انسان را به سمت برزخ سیر می‌دهند که برزخ لایه زیرین عالم دنیا و باطن آن است که می‌تواند در آن حقیقت دنیا را مشاهده نماید. پس سیر دادن انسان و اعمال وی توسط ملائکه منافاتی با عینیت جزا و عمل ندارد.

### ۳-۱-۲. عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیات حبط و تکفیر

دسته‌ای دیگر از آیات و روایات بیانگر این نکته است که برخی از اعمال حبط می‌گردند و اثر آن در آخرت قابل مشاهده نیست چنانکه آثار اعمال سیئه با عناوینی همچون استغفار، عفو (نوح/۱۰) و تکفیر (بقره/۲۷۱) و آثار اعمال حسنه با کفر (اعراف/۱۴۷)، ارتداد (بقره/۲۱۷) و شرک (توبه/۱۷) از میان می‌رود.

نابود نشدن اعمال بر اساس نظریه عینیت عمل و جزا با این دسته از آیات نیز منافاتی ندارد چون به طور قطع هیچ عملی در قیامت به معنای حقیقی نابود و نیست نمی‌گردد چنانکه برخی آیات بیانگر آن است که هر کس حتی اگر به اندازه کمی عمل نیکو یا ناپسند انجام دهد همان را نه جزای آن را (ر.ک؛ صدرالمتهلین، ۱۳۸۳: ۴۶۹/۱؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق: ۲۶۲/۴) در روز قیامت مشاهده می‌نماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله/۷-۸) که لسان چنین آیاتی آبی از تخصیص است زیرا «من» شرطی همراه با فعل مجزوم و تعبیر «مثقال ذره» بیانگر عمومیتی است که نمی‌توان آن را با عبارت دیگر تخصیص زد. در آیه دیگر این چنین آمده است: ﴿وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ می‌گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟!» (و این در حالی است که همه اعمال خود را حاضر می‌بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند (کهف/۴۹).

بر این اساس بایستی به دنبال معنای صحیح آیات حبط به جهت اعمال سیئه و آیات تکفیر به جهت اعمال حسنه برآمد و می‌توان این گونه مفاد آن را توضیح داد که در چنین آیاتی آثار اعمال حسنه و سیئه کنار گذاشته می‌شود اما عین عمل نابود نمی‌گردد چنانکه برخی آیات بیانگر آن است که خداوند متعال نسبت به برخی از بندگان صالح خود طوری جزا می‌دهد که آن جزا مطابق با بهترین اعمالشان می‌باشد یعنی در عین حال که اعمال نیکوی دیگری نیز برای آنها وجود داشته اما آثار اعمال صالح والاتر مورد توجه قرار می‌گیرد و بر اساس آن جزا در نظر گرفته می‌شود.

### ۳-۱-۲. نابود شدن آثار اعمال بر اساس نظریه عینیت عمل و جزا

مسئله دیگر این است که اگر رابطه عمل با جزا تکوینی است چگونه ممکن است اثر عملی از بین برود؟ در عالم دنیا برای از بین بردن اثر عمل بایستی در مبادی اختیاری شخص مثبت یا معاقب مداخله نمود و حالت انفعال را در وی پدید آورد تا از عقاب نمودن منصرف گردد که چنین عملکردی در عقاب اخروی ممکن نیست چرا که مستلزم نقص و عیب است در حالی که خداوند متعال منزله از هر گونه عیب و نقصی است.

در موارد عقاب اخروی از بین رفتن اثر عمل بخاطر اعمال سوئی است که انسان آن را انجام داده است چرا که میان آثار اعمال کسر و انکسار صورت می‌پذیرد. لذا زمانی که شخص استغفار می‌نماید بدین معنا نیست که خداوند متعال در صدد عقاب نمودن شخص بوده و موضوع عقاب نیز موجود است و شخص به دنبال تغییر اراده خداوند در عقاب باشد بلکه نفس استغفار عمل حسنی است که موجب می‌گردد آثار سوء اعمال پیشین مرتفع گردد. در واقع اثر تکوینی استغفار بر اثر تکوینی گناه غلبه می‌کند و اسباب آمرزش شخص فراهم می‌گردد چنان‌که نظیر چنین اثر تکوینی در عالم ماده را می‌توان مشاهده نمود؛ به عنوان نمونه زمانی که حجم فراوانی از آب بر روی آتش ریخته شود، اثر تکوینی آب بر آتش غلبه می‌کند.

علامه طباطبایی در رابطه با مفاد آیه ﴿وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (بقره/۲۱۷) در رابطه با حقیقت حبط این چنین می‌فرماید: «حاصل آیه مورد بحث مانند سایر آیات حبط این است که کفر و ارتداد باعث آن می‌شود که عمل از این اثر و خاصیت که در سعادت زندگی دخالتی داشته باشد می‌افتد، هم چنان که ایمان باعث می‌شود، به اعمال آدمی حیاتی و جانی می‌دهد، که به خاطر داشتن آن اثر خود را در سعادت آدمی می‌دهد، حال اگر کسی باشد که بعد از کفر ایمان بیاورد، باعث شده که به اعمالش که تا کنون حبط بود حیاتی ببخشد، و در نتیجه اعمالش در سعادت او اثر بگذارند، و اگر کسی

فرض شود که بعد از ایمان مرتد شده باشد، تمامی اعمالش می‌میرد، و حبط می‌شود، و دیگر در سعادت دنیا و آخرت وی اثر نمی‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۲۵۳).

در روایات نیز بسیار بر این مسئله تأکید شده است که اعمال بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند و برخی اعمال اثر اعمال دیگر را رفع می‌نمایند و در واقع موضوع عقاب که ظلمت و تاریکی عمل بوده است در نتیجه و امتداد از میان برداشته می‌شود. پس هر عملی در جای خود محفوظ است و تمام اعمال در قیامت به تفصیل مشاهده می‌گردد حتی گناهی را که از آنها استغفار نموده است و به تصریح برخی روایات از تک تک گناهی که انجام داده حتی اگر به اندازه مثقال ذره هم باشد حسرت می‌خورد (قمی، ۱۴۰۶ق، ۲/۴۳۳-۴۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۵/۳۵۹؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ۵/۷۳۰).

بر این اساس تأثیر گناهی که از آن‌ها استغفار صورت پذیرفته و اعمال حسنه‌ای که به جهت اعمال سیئه حبط گردیده در امتداد از بین می‌رود. لذا ممکن است عمل سوئی همانند شرک صورت پذیرد و آثار اعمال حسنه را از بین ببرد و یا عمل خیری صورت پذیرد که آثار اعمال سیئه را از میان بردارد و بر این اساس نتیجه‌ای که در نهایت عائد انسان می‌گردد مربوط به برخی از اعمال انسان است نه تمام اعمال.

**۳-۲. عدم تنافی نظریه عینیت جزا و عمل با آیه تبدیل سیئات به حسنات**  
پیش از آنکه عدم تنافی نظریه عینیت جزا و عمل با آیه تبدیل حسنات به سیئات بیان گردد بایستی ابتدا معنای صحیح و حکمی تبدیل سیئات به حسنات مورد توجه قرار گیرد تا عدم تنافی آن با نظریه عینیت جزا و عمل وضوح بیشتری یابد.

### **۳-۲-۱. معنای تبدیل سیئات به حسنات**

یکی از معانی موجه و صحیح در مورد آیه تبدیل سیئات به حسنات (فرقان/۷۰) این است که انسان در اثر اعمال سعه پیدا می‌کند؛ اگر با اعمال حسنه سعه پیدا کند زمانی که اعمال حسنه از وی منتفی گردد گستره وجودیش مملو از ظلمت می‌گردد و ظلمت‌ها جایگزین نورانیتش می‌گردد لذا انسانهایی که اعمال حسنه انجام می‌دهند و بعد آن را ترک می‌نمایند



اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر ...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۱۷

از کسانی که از ابتدا اعمال حسنه را انجام نداده‌اند بدتر هستند. اما اگر شخصی عمل سیئه انجام دهد تاریکی و ظلمت درونش سعه می‌یابد لذا زمانی که به جای ظلمت‌ها نورانیت جایگزین گردد، این نورانیت با عظمت خواهد بود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۸/۱۹۱).

اشکالی که به این بیان وارد است این است که اثبات نمودن این مطلب که سیئات موجب سعه نفس می‌گردند دشوار است چنانکه بسیاری از گناهان چنین سعه‌ای را ایجاد نمی‌کنند و هر گناهی موجب خروج از قوه به فعلیت نیست چنانکه برخی حرکات تضاعفی هستند به عنوان نمونه حیوان تبدیل به نبات می‌گردد که خروج از قوه به فعلیت در آن وجود ندارد اما این که حسنات در نفس انسان سعه ایجاد می‌کنند امر سهلی است چنانکه نسبت به حسنه این نکته وجود دارد که زمانی که اعمال حسنه افزایش پیدا می‌کند روح انسان ارتقا می‌یابد و زمانی که اعمال حسنه معمول ترک می‌شود آثار زیانباری پدید می‌آید. چنان که در روایت آمده است: «یکی از قبیح‌ترین امور این است که شخص خدا را عبادت کند و پس از آن عبادت خود را ترک نماید» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲/۸۴). این عبارت نشانگر آن است که اگر انسان کاری را انجام دهد و بعد آن را ترک نماید خیلی آثار سوئی دارد. اما این که شخص در اثر گناه سعه پیدا نماید به حسب تجربه و قرائن قابل قبول نیست مگر آنکه این مطلب در مورد کسانی صادق باشد که نسبت به انجام اعمال سیئه استقامت نموده به گونه‌ای که دارای قوت نفس گردیده‌اند چنانکه اگر انسان در مسیر باطل مجد و کوشا باشد اراده قوی پیدا می‌نماید و زمانی که در مسیر حق قرار گیرد از آن اراده قوی در مسیر حق بسیار استفاده می‌نماید.

### ۳-۲-۲. بیان عدم تنافی تبدیل سیئات به حسنات با نظریه عینیت عمل و جزا

برای رفع تنافی میان نظریه عینیت جزا و عمل با مفاد آیه تبدیل سیئات به حسنات بایستی بدین نکته توجه نمود که آیه مذکور بیانگر این نیست که جزای سیئه حسنه قرار داده می‌شود بلکه نفس سیئه تبدیل به حسنه می‌گردد یعنی عمل در مرتبه خود حضور دارد و بعد تبدیل می‌شود. نحوه تبدیل نیز بدین گونه است که خود عمل در مراتب پایانی تبدیل می‌گردد نه این که گذشته‌های اعمال پاک گردد. چنانکه لفظ تبدیل در عالم ماده مربوط

به مواردی است که در عین بقا تبدیل می‌شود به عنوان نمونه آب در ابتدا در ظرف زمانی خود باقی است و در زمانی دیگر تبدیل به بخار می‌گردد. چنانکه امام باقر(ع) در تفسیر آیه تبدیل سیئات به حسنات به این مسئله تصریح می‌فرماید که ابتدا اعمال سیئه شخص گنهکار به وی شناسانده و از او اقرار گرفته می‌شود و پس از آن سیئات تبدیل به حسنات می‌گردد(ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۳۴۵؛ شبر، ۱۴۲۴ق: ۴۲۸/۲). لذا آیاتی همچون ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (زلزله/۷) که بیانگر عینیت جزا و عمل هستند با آیاتی همچون ﴿فَأُولَئِكَ يَدُلُّ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ﴾ منافاتی ندارند.

اگر نظام جزا و پاداش اخروی به درستی تصویر نگردد به گونه‌ای که رابطه میان عمل و جزا به نحو اعتباری و قراردادی لحاظ گردد و هیچ‌گونه رابطه تکوینی میان عمل و جزا لحاظ نگردد ممکن است تبدیل تمام اعمال سیئه به حسنه منصفانه تلقی نگردد اما اگر نظام ثواب و عقاب اخروی بر اساس عینیت عمل و جزا تصویر شود، با توضیحاتی که در رابطه با حقیقت تبدیل ارائه گردید نظریه عینیت جزا و عمل منافاتی با تبدیل سیئات به حسنات نخواهد داشت چرا که زمان تحقق هر یک از این دو متفاوت از زمان دیگری است. به عنوان نمونه انسان زمانی که عمل سیئه انجام می‌دهد ظلمتی را برای خود فراهم می‌آورد و زمانی که کار خیری انجام می‌دهد بر روی اعمال سیئه اثر می‌گذارد و در حقیقت نوری را فراهم می‌آورد که آثار ظلمت گناه پیشین را از بین می‌برد بدون آن که نفس عمل سیئه و آثار آن در زمان مقرر خود را از میان بردارد بلکه عمل خیر آثار عمل سیئه را پس از انجام عمل خیر مرتفع می‌کند. چنانکه علامه طباطبایی همسو با نکات مطرح شده در کیفیت تبدیل سیئات به حسنات اینچنین می‌فرماید: «عمل انسان چون سایه دنبالش هست، پس مقصود آثار عمل است که یا مستتبع عقاب است و یا ثواب و همواره با آدمی هست تا در روز "تُبَلَى السَّرَائِرُ" خود را نمایان کند. این را نیز می‌دانیم که اگر ذات کسی شقی و یا آمیخته به شقاوت نباشد، هرگز مرتکب عمل زشت و گناه نمی‌شود، (همان حرکات و سکناتی را که در یک فرد شقی به صورت زنا در می‌آید، انجام می‌دهد، بدون اینکه زنا و کار زشت بوده باشد) پس اعمال زشت از آثار شقاوت و خباثت ذات آدمی است، چه آن ذاتی که به تمام معنا شقی است و یا ذاتی که آمیخته با شقاوت و خباثت است. حال که

اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۱۹

چنین شد، اگر فرض کنیم چنین ذاتی از راه توبه و ایمان و عمل صالح مبدل به ذاتی طیب و طاهر و خالی از شقاوت و خباثت شد و آن ذات مبدل به ذاتی گشت که هیچ شائبه شقاوت در آن نبود، لازمه این تبدیل این است که آثاری هم که در سابق داشت و ما نام گناه بر آن نهاده بودیم، با مغفرت و رحمت خدا مبدل به آثاری شود که با نفس سعید و طیب و طاهر مناسب باشد و آن این است که: عنوان گناه از آن برداشته شود و عنوان حسنه و ثواب به خود بگیرد. و چه بسا ذکر رحمت و مغفرت در ذیل آیه اشاره به همین معنا باشد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۳۶/۱۵-۳۳۷).

### بحث و نتیجه‌گیری

نظریه عینیت جزا و عمل که مبتنی بر برخی از آیات و روایات است با ادله نقلی دیگر که ناظر بر وجود معاقب خارجی است یا ادله‌ای که مدعی است نسبت به برخی اعمال حسنه حبط و نسبت به برخی دیگر اعمال سیئه تکفیر می‌گردد و آیات و روایاتی که بیانگر تبدیل سیئات به حسنات است تنافی ندارد لذا نایستی در این زمینه برخی آیات و روایات را تأویل نمود بلکه بایستی بر ظواهر این ادله پافشاری نمود:

الف) علت عدم تنافی نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات دال بر وجود معاقب خارجی در این نکته نهفته است که ادله دال بر وجود معاقب خارجی تنها دلالت بر وجود معاقب خارج از بدن دارند نه خارج از نفس انسان‌ها لذا این که بر اساس نظریه عینیت عمل و جزا مجازات در آخرت امری جدای از اعمال انسان‌ها نیست با این دسته از آیات و روایات تنافی ندارد.

ب) عدم تنافی این نظریه با آیات دال بر تکفیر و احباط نیز بدین صورت است که آیات و روایات تکفیر و احباط تنها بر دال بر آن است که آثار اعمال حسنه و سیئه از بین می‌رود نه آنکه نفس اعمال نابود شود لذا با نظریه عینیت جزا و عمل که دال بر وجود نفس عمل در قیامت است تضادی ندارد.

ج) آیات و روایات تبدیل سیئات به حسنات نیز بر این امر دلالت دارد که نفس سیئات در قیامت حضور دارند و پس از آن بر اساس اعمال حسنه‌ای که صورت پذیرفته تبدیل به

۲۰ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۵۱ | زمستان ۱۴۰۱

حسنت می گردند لذا این دسته از آیات و روایات نیز با نظریه عینیت عمل و جزا که دال بر حضور نفس اعمال در قیامت است متنافی نیست.

**ORCID**

Mohamad Danesh Nahad



<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۷۱۹-۲۸۴۶>

Mahmad Hasan Vakili



<http://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۵۰۱-۲۲۶۲>

## منابع

- قرآن کریم. مترجم: مکارم شیرازی. ناصر. (۱۳۷۳). چاپ دوم. قم: دار القرآن‌الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلام).
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). *عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*. چاپ اول. قم: دار سید الشهداء.
- ابن ترکه، صائن‌الدین علی. (۱۳۶۰). *تمهید القواعد*. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. قم: مؤسسه بعثه.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. چاپ چهارم. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۲ق). *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل*. چاپ سوم. قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیه.
- شبر، سید عبدالله. (۱۴۲۴ق). *حقّ الیقین فی معرفه أصول الدین*. چاپ دوم. قم: أنوار الهدی.
- شکر، عبدالعلی. (۱۳۸۶). *تجسم اعمال در حکمت متعالیه*. شماره ۴۹. صص ۷۴ - ۸۱. تهران: خردنامه صدرا.
- صدر المتألهین، صدرالدین محمد. (۱۳۶۰). *اسرار الآیات*. چاپ اول. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۹۸۱م). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). *کسر الاصنام الجاهلیه*. چاپ اول. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۱). *العرشیه*. چاپ اول. تهران: انتشارات مولی.
- طاهری، سید صدرالدین؛ صفایی اصل. مهدی (۱۳۹۹). تاثیر مبانی وجودشناسی ابن عربی بر شکل‌گیری آموزه تجسم اعمال. حکمت صدرایی. تهران: شماره ۲. صص ۱۳۱-۱۴۳.

۲۲ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۵۱ | زمستان ۱۴۰۱

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. چاپ پنجم. قم: انتشارات اسلامی. عموسلطانی، محمد مهدی؛ شاه نظری، جعفر. (۱۳۹۵)؛ بررسی تناقضات در نظریه تکوینی بودن جزای اخروی. *آینه معرفت*. تهران: شماره ۴۹. صص ۸۷-۱۱۶.

غفارزاده، علی؛ بهرامی، حمزه علی. (۱۳۹۶). بررسی حل تعارض آیات تجسم اعمال. *مطالعات تفسیری*. قم: شماره ۳۲. صص ۱۰۵-۱۲۴.

فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر. \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۱). *نوادر الأخبار فی ما يتعلق بأصول الدین*. چاپ اول. تهران:

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. چاپ سوم. قم: دار الکتب.

کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق) *الکافی*. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کوفی اهوازی، حسین بن سعید. (۱۴۰۴ق). *المؤمن*. چاپ اول. قم: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

\_\_\_\_\_. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محبتی، مریم؛ کهنسال، علیرضا؛ جوارشکیان، عباس. (۱۳۹۴). *تبيين تجسم اعمال بر اساس نظریه اضافه اشراقی ملاصدرا*. شماره ۲. صص ۹۷-۱۲۰. قم: حکمت اسراء.

مشکاتی، محمد مهدی؛ فاطمی زاده، سید روح الله. (۱۳۹۳). چرایی و چگونگی عذاب اخروی: بررسی دیدگاه علامه مجلسی و علامه طباطبائی. *مجله پژوهشنامه مذاهب اسلامی*. قم: شماره ۱. صص ۸۵-۱۱۰.

منسوب به امام هشتم علیه السلام. علی بن موسی. (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام*. چاپ اول. مشهد: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر ...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۲۳

نیلساز، نصرت؛ کولیوند، ناصر. (۱۳۹۶). ادله اثبات نظریه تجسم اعمال و تبیین کارکردهای کلامی آن از دیدگاه علامه طباطبائی. *مجله معرفت کلامی*. قم: سال هشتم - شماره ۱۹. صص ۴۱ - ۶۰.

وکیلی، رضا. (۱۳۹۸). *بازتاب مبنای فلسفی تجسم اعمال در علم اصول فقه*. سال چهارم. شماره ۱۳. صص ۱۱۲ - ۱۳۱. قم: مجله فقیهانه.

وکیلی، محمدحسین. (۱۴۲۹ق). *صراط مستقیم (نقد مبنای مکتب تفکیک بر اساس تقریر حجت الاسلام و المسلمین سیدان)*. چاپ اول. تهران: بینا.

### References [in Persian]

- The Holy Quran. Translator: Makarem Shirazi. Naser. (۱۹۹۴). second edition. Qom: Dar Al-Qur'an Al-Karim (Office of Islamic History and Education Studies). [in Persian]
- Amusoltani, Mohammad Mehdi; Shah Nazari, Jafar. (۲۰۱۵); *Checking the contradictions in the genetical theory of eternal punishment*. Ayeneh Marefat, Tehran: No. ۴۹. pp. ۸۷-۱۱۶. [in Persian]
- Attributed to the eighth Imam, peace be upon him. Ali Ibn Musa (۱۹۸۵). *Jurisprudence attributed to Imam al-Reza, peace be upon him*. First Edition. Mashhad: Al-Bayt Institute, peace be upon them.
- Bahrani, Seyyed Hashem bin Suleiman. (۱۹۹۵). *Al-Barhan in Tafsir al-Qur'an*. First Edition. Qom: Ba'seh Institute.
- Clini. Muhammad bin Yaqoob. (۱۹۸۶) Kafi. fourth edition. Tehran: Islamic Books Dar.
- Feiz Kashani, Mohammad Mohsen. (۱۹۹۴). *Tafsir al-Safi*. second edition. Tehran: Sadr Library.
- \_\_\_\_\_. (۱۹۹۲). *Nawadar al-Akhbar in us is related to the principles of religion*. First Edition. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Ghafarzadeh, Ali; Bahrami, Hamzeh Ali. (۲۰۱۶). *Investigating the resolution of the conflict of the verses of the embodiment of actions*. Interpretive studies. Qom: No. ۳۲. pp. ۱۰۵-۱۲۴. [in Persian]
- Heli, Hassan bin Yusuf. (۱۹۹۲). *Discovering the meaning in the explanation of abstraction of belief*. fourth edition. Qom: Islamic Publishing House
- Ibn Abi Jumur, Muhammad Ibn Zain al-Din. (۱۹۸۴). *Awali Al-Leali al-Azizia in religious hadiths*. First Edition. Qom: Dar Seyyed al-Shohada.
- Ibn Turke, Sain al-Din Ali. (۱۹۸۱). *Preliminaries of the rules*. First Edition. Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Higher Education.

- Kofi Ahwazi, Hossein bin Saeed. (۱۹۸۳). *Al-Mu'min* First Edition. Qom: Imam Al-Mahdi Foundation, peace be upon him
- Majlesi, Mohammad Baqer. (۱۹۸۳). *The mirror of the intellects in the narration of Ahl al-Rasoul*. second edition. Tehran: Islamic Books Dar. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (۱۹۸۲). *Bihar Anwar* second edition. Beirut: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi
- Mohebati, Maryam; Kohansal, Alireza; Javarshakian, Abbas. (۲۰۱۴). *Explanation of the embodiment of actions based on the theory of additional illumination of Mulla Sadra*. Number ۲. pp. ۱۲۰-۹۷. Qom: Hikmat Isra.
- Meshkati, Mohammad Mahdi; Fatemizadeh, Seyyed Ruhollah. (۲۰۱۳). Why and how the punishment in the afterlife: examining the views of Allameh Majlesi and Allameh Tabatabai. *Research Journal of Islamic Religions*. Qom: No. ۱. pp. ۸۵-۱۱۰.
- Nouri, Hossein Bin Mohammad Taqi. (۱۹۸۷). *Mustardak al-Wasail and Mustabt al-Masal*. First Edition. Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
- Nilsaz, Nusrat; Kolivand, Nasser. (۲۰۱۶). *The proofs of the theory of embodiment of actions and the explanation of its verbal functions from the point of view of Allameh Tabatabai*. Theological knowledge magazine. Qom: Year ۸ - Number ۱۹. pp. ۴۱-۶۰.
- Qomi, Ali bin Ibrahim. (۱۹۸۳). *Tafsir al-Qami*. Third edition. Qom: Dar al-Kitab
- Sobhani, Jafar. (۱۹۹۱). *Theology is based on the guidance of the Book, Sunnah and Al-Aql*. Third edition. Qom: International Center for Islamic Studies.
- Shabar, Seyyed Abdullah. (۲۰۰۳). *The right of al-Iqin to know the principles of religion*. second edition. Qom: Anwar al-Hada.
- Shaker, Abdul Ali. (۲۰۱۶). The embodiment of actions in transcendental wisdom. Number ۴۹. pp. ۷۴-۸۱. Tehran: *Kheradnameh Sadra*.
- Sadr al-Mutalahin, Sadr al-Din Muhammad. (۱۹۸۱). *The secrets of the verses*. First Edition. Tehran: Wisdom and Philosophy Association.
- \_\_\_\_\_. (۱۹۸۱). *Al-Isfar al-Aqliyyah al-Arabah*. Third edition. Beirut: Dar Ahya Altrath
- \_\_\_\_\_. (۲۰۰۴). *Explanation of the principles of Kafi*. First Edition. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- \_\_\_\_\_. (۲۰۰۲). *Kesr al-Isnam al-Jahiliyyah*. First Edition. Tehran: Hekmat Sadra Foundation.
- \_\_\_\_\_. (۱۹۸۲). *Al-Arshiyya* First Edition. Tehran: Molly Publications



اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر...؛ دانش‌نهاد و وکیلی | ۲۵

- Taheri, Seyed Sadruddin; Safei Asl, Mehdi (۲۰۱۹). *The effect of Ibn Arabi's ontological principles on the formation of the doctrine of embodiment of actions*. Hekmat Sadraei. Tehran: No. ۲. pp. ۱۳۱-۱۴۳.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (۱۹۹۵). *Tafsir al-Mizan*. Fifth Edition. Qom: Islamic Publications. [in Persian]
- Vakili, Reza. (۲۰۱۸). *Reflecting the philosophical basis of the embodiment of actions in the science of principles of jurisprudence*. forth year. No. ۱۳. pp. ۱۱۲-۱۳۱. Qom: Faqihaneh Magazine. [in Persian]
- Vakili, Mohammad Hassan. (۲۰۰۸). *Serat-e Mostaqim (criticism of the principles of the separation school based on the version of Hujjat al-Islam and Muslimin Sidan)*. First Edition. Tehran: Bina.

**استناد به این مقاله:** دانش‌نهاد، محمد، وکیلی، محمدحسن. (۱۴۰۱). اثبات سازگاری نظریه عینیت عمل و جزا با آیات و روایات ناظر بر کیفیت عقاب اخروی، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۱)، ۱-۲۵.

DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/RJQK.۲۰۲۳.۶۸۷۵۳.۲۶۴۲



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴,۰ International License.